

فقرائین فقہ اسلامی



مجالس الشوری

بطوریکه گفته شد که مرور زمان دو قسم است .

۱ - مرور زمان موجد حق .

۲ - مرور زمان مسقط حق .

مرور زمان مسقط بر دو قسم است قسمتی از آن مسقط نفس حق می باشد و قسمت دیگری از آن مسقط دعوی است و موجب عدم پذیرش دعوی در محاکم می باشد .

بحث در مرور زمان موجد حق عینی و مرور زمان مسقط عقوبات از موضوع بحث ما خارج است لکن نظر بر تباطا اساسی که بامسئله مرور زمان در شریعت اسلام دارد ناچار از بحث در آن هستیم .

مرور زمان موجود حق هیئتی

در قانون رومی و قوانینی که متخذا ز قانون روم می باشد مانند قانون مدنی فرانسه و غیران آرقوانین غربی تصرف در مدتی از زمان بشرط معینه موجب اکتساب ملکیت می باشد ولذا آن نحوه از تصرفات را موجود حق می نامند .

مرور زمان باین کیفیت در شریعت اسلام معروف نیست تنها چیزی که در فقه اسلامی نسبت بحکم مرور زمان سابقه دارد در مذهبین حنفی و مالکی مرور زمان را در عدم پذیرش دعوی در محکمه موثر دانسته اند چنانچه المجله که متخذا فقه حنفی است یا تمسک باستحسان مرور زمان را مانع از پذیرفتن دعوی در محکمه می داند و فرقی هم بین دعوی ملک و دعوی دین نگذاشته یعنی مرور زمان مانع از پذیرفتن دعوی است اعم از این که مرور زمان نسبت بحقوق عثیه یا شخصیه بوده باشد .

مدت مرور زمانی که مانع از پذیرفتن دعوی می باشد بنا بر مقررات المجله پانزده سال است چنانچه در آینده ملاحظه خواهد شد ولی نسبت باین اصل نیز در المجله مستثنیاتی بشرح زیر ذکر شده است .

اولا - مرور زمان نسبت بدعاوی مربوط با مکنه عمومی که عموم از آن استفاده می کنند تأثیر ندارد مانند شارع عام یا نهر آب یا چراگاه عمومی بنابراین چنانچه کسی مرتع و چراگاه عمومی را پنجاه سال تصرف کند پس از این مدت اهل قریه دعوی نمایند بموجب ماده ۱۶۷۵ المجله دعوی آنان پذیرفته .

ثانیا - مرور زمان نسبت بدعاوی مربوط باصل وقف با حقوق عینه بااملاک

موقوفه بسی و شش سال تعیین شده است چنانچه پس از ۳۶ ساك اولیای وقف علیه متصرف دعوی کنند پذیرفته نخواهد شد بماتین ۱۶۶۱ و ۱۶۶۲ المجله مراجعه شود .

ثالثاً - در اراضی امیریه و شارع خاص و حق الشرب مسیل پس از ده سال پذیرفته نمی شود ماده ۱۶۶۲ آنچه ذکر شد متخذ از فقه حنفی و المجله می باشد ولی در مذهب مالکی نسبت بمرور زمان تاسیس اصلی شده که خیازت اشیاء در مدت معین و تصرف مالکانه در آنها بدون منازع باحضور و علم صاحب حق و سکونت آن بدون عذر یا مانع شرعی دلیل مالکیت متصرف محسوب می شود .

و بنابر مذهب مالکی در املاک ده سال و در ثیاب و عروض و چهارپایان از یکسال تا سه ماه می باشد و این مدت در بعض موارد تا ده ماه تقلیل می یابد اگر متصرف جاهل باصل ملك بوده در این صورت فرقی نیست از اینکه ملك منقول یا غیر منقول بوده باشد مستند فقهای مالکی حدیث شریفی است باین مضمون **من حاز شیئاً فهو له** معلوم می شود بنظر فقهای مالکی خیازت بخودی خود ناقل نمی باشد و آنچه موجد حق می باشد حیارت . بانضمام مرور زمان است چنانچه مرور زمان تنها موثر نیست مستند بحدیث دیگری که فرمود **لا یبطل حق امرؤ مسلم و ان قدم و لکن خیازت دلیل بر انتقال ملك می باشد و مانع از پذیرفتن دعوی مدعی در محکمه است .**

در هر صورت بنابر آنچه ذکر شد اصولاً در فقه اسلامی مرور زمان نمی تواند موجد حق بوده باشد زیرا اگر مرور زمان اعتبار داده شود موجب ابطال بسیاری از حقوق می گردد ولی تنها اثر مرور زمان در فقه اسلامی آنها در بعض مذاهب سبب عدم پذیرفتن دعوی در محکمه خواهد بود و فرق بین اینکه مرور زمان موجد حق

یا مانع از پذیرفتن دعوی باشد در نظر فقهای اسلامی زیاد مهم نیست و در هر حال این امتیاز وجود دارد مخصوصاً در صورت اقرار مدعی علیه چنانچه توضیح این مطلب قریباً داده خواهد شد .

مرور زمان مسقط جرائم

در مبحث جرائم معلوم شد که با اصطلاح شرعی بعضی از جرائم حق الهی می باشد یعنی جنبه عمومی دارد در اصطلاح شرعی جزاء این سلسله جرائم را حدود می نامند اینک بحث ما در تأثیر مرور زمان نسبت بمجازات این سلسله از جرائم که حدود نامیده می شود می باشد .

با توجه باختلاف نظر فقهای اسلامی در این مسئله جمعاً سه نظر در بین فقها وجود دارد .

یکی نظری که مستند بجمهور فقها مانند امام مالکی و شافعی و ابن جنبل است و اوزاعی و داود ظاهری و اتباع آنها تبعیت کردند اینکه مرور زمان مسقط حدود که جنبه عمومی دارد نمی باشد .

دوم نظریه ابی لیلی است باینکه مرور زمان مسقط حدود است باسقاط تام و لذا در حدودی که مدت طولانی بر آن گذشته باشد شهادت و اقرار قبول نیست .

فقهای حنفی مذهب سومی اختیار کردند باین که مرور زمان مسقط حدود می باشد مگر در موارد استثنائی و اصولاً شهادت در حدودی که مشمول مرور زمان

است شاهد مخیر است بین کتمان و اداری شهادت چنانچه شاهد ادای شهادت را اختیار کند شبهه غرض یا عداوت می رود در این صورت شاهد متهم بسوء نیت می گردد و شهادتش مسموع نخواهد بود .

و باین تعلیل فقهای حنفی مستثنیاتی نسبت باصل کلی که مرور زمان را مسقط می دانند مترتب نمودند که عبارت از موارد ذیل است .

یک - بنظر فقهای حنفی هر حد قذف دارای دو جنبه عمومی و خصوصی می باشد و لذا اقامه دعوی علیه قاذف نمی شود مگر بدرخواست مقذوف برای رفع تهمت و ننگ و چون در این مورد داعی برای ادای شهادت موجود است احمل بر غرض و دواعی دیگر نمی شود و لذا مرور زمان در آن موثر نیست .

۲ - در حد سرقت نیز مرور زمان مسقط نیست چون جنبه خصوصی دارد و شهادت بر آن مسموع است و لولاینکه مدت طولانی بر وقوع سرقت گذاشته باشد .

۳ - فقهای حنفی اقرار را مسموع می دانند نسبت بحدودیکه مشمول مرور زمان شده باشد بواسطه فقدان شبهه تهمت با استثنای حد شرب خمر که مرور زمان مسقط آن آن نیست و در این نظریه محمد بن حسن با ابو حنیفه مخالفت کرده و نسبت به حد شرب خمر نیز مرور زمان را مسقط می داند .